

Designing a Moral Education Curriculum Pattern for Secondary School on based on Grounded Theory

Donya Gandomkar, Abbas Gholtash, Seyed Ahmad Hashemi, Aliasghar Mashinchi

¹ Ph.D. student in Curriculum Studies, Lamerd Branch, IAU.

² Associate Professor, Department of Educational Studies, Marvdasht Branch, IAU.

³ Associate Professor, Department of Educational Studies, Lamerd Branch, IAU.

⁴ Department of Educational Studies, Lamerd Branch, IAU.

Abstract

Moral education considered as one of the most important educational and training issues. The achievement of this great goal in the education institution requires the provision of a model for the moral education curriculum. Achieving the moral education curriculum model based on ethical perspectives, which is the main objective of the research, can provide a comprehensive curriculum design for moral education. The aim of research was to designing a moral education curriculum pattern for High school on based on Grounded theory. Based on a targeted sampling method, those who have been compiled in this field have been studied and interviewed. After explaining the theoretical foundations and the viewpoints of the experts, the main components and categories and themes are extracted and the proposed curriculum model and the elements related to the curriculum have been extracted. Accordingly, the present study is based on theoretical foundations and viewpoints of scholars of curriculum and philosophy of education in higher education universities. Proposed model of research in the field of the second-level state-level moral education curriculum model, including 9 themes such as; macro environment policies, curriculum objectives, content of moral education curriculum, learning processes, the use of information technology, continuous interaction with scientific and research centers, participation Teachers are involved in curriculum development, assessment methods and receptor characteristics. Based on this, "designing the pattern of the second-level moral education curriculum" as a core category based on the contextual conditions of "environmental policies and objectives" and through the strategies of "teacher participation in curriculum development" and "continuous engagement with academic centers" in recognizing the "attribute of receptors" (as a template background) is achieved and leads to the realization of educational and educational implications.

Keywords: curriculum, moral education, secondary education

طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم مبتنی بر نظریه بر خاسته از داده‌ها

دنیا گندمکار، عباس قلتاش*، سیداحمد هاشمی، علی اصغر

ماشینیچی

^۱ دانشجوی دوره دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

^۲ دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

^۳ دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

^۴ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

چکیده

تربیت اخلاقی یکی از ابعاد مهم تربیت و از مهم‌ترین مسائل آموزشی و پرورشی است. برای دستیابی به اهداف مهم این بُعد تربیت، به ارائه الگویی در زمینه برنامه درسی تربیت اخلاقی نیاز است. نیل به الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی مبتنی بر دیدگاه‌های اخلاقی که هدف اصلی پژوهش است، می‌تواند نیل به طراحی برنامه درسی جامع در زمینه تربیت اخلاقی را فراهم سازد. این پژوهش با هدف طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم انجام شد. برای ارائه الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی از روش نظریه بر خاسته از داده‌ها استفاده شد. حوزه مورد مطالعه این پژوهش، مبانی نظری و دیدگاه صاحب‌نظران رشته‌های برنامه‌ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های کشور با درجه استادیار به بالا بوده است. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند، آن افرادی که تألیفاتی در این زمینه داشتند مورد مطالعه و مصاحبه قرار گرفتند. پس از تبیین مبانی نظری و دیدگاه صاحب‌نظران مؤلفه‌های اصلی و مقولات و زمینه‌ها استخراج شد و الگوی برنامه درسی پیشنهاد و عناصر مرتبط با برنامه درسی استخراج شده است. مدل پیشنهادی پژوهش در زمینه الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم دولتی مشتمل بر ۹ عامل سیاست‌های محیط کلان، اهداف برنامه درسی، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، فرایندهای یاددهی یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روش‌های ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان است. بر این اساس «طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم» به‌عنوان مقوله‌محوری بر مبنای شرایط علی «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و از طریق راهبردهای «مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی» و «تعامل مستمر با مراکز علمی» با در نظر گرفتن «ویژگی پذیرندگان» (به عنوان زمینه الگو) محقق می‌شود و به تحقق «پیامدهای آموزشی و پرورشی» منجر می‌شود. **واژه‌های کلیدی:** برنامه درسی، تربیت اخلاقی، دوره متوسطه

مقدمه

تعلیم و تربیت از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین اموری است که نقش بسیار مؤثری در زندگی انسان دارد. آموزش و پرورش نهادی است که بر رویکرد اخلاقی و فرهنگی جامعه اثر مستقیم دارد، چرا که در سنین کودکی و نوجوانی آموزه‌ها در وجود آدمی نهادینه شده و تربیت صحیح شکل می‌گیرد و بیشتر افراد جامعه نیز با هر زبان و فرهنگ حداقل یک دوره تحصیلی را در مدرسه می‌گذرانند (Best, 2016). کودکان زمانی از تعلیم و تربیت موفق برخوردار می‌شوند که بین عوامل مختلف تربیتی-فرهنگی، همکاری و مشارکت همه جانبه وجود داشته باشد. امروزه جوامع پیشرفته فقط از طریق تربیت نیروی انسانی مبتنی بر رویکردهای تربیتی و رهیافت‌های فرهنگی خود توانسته‌اند در جاده توسعه و بهبود کیفیت زندگی ملت‌های خود پیش روند. هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی، سیاسی خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهد. بر همین اساس، هر جامعه‌ای از انسان مطلوب خود تصویری دارد و معنا و غایت معینی برای آموزش و پرورش قائل است، به این دلیل می‌کوشد افراد خود را بر اساس این تصور و معنا تربیت کند، بنابراین تعیین هدف‌ها مستلزم ملاحظات فلسفی، دینی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به این تعریف، رابطه مستقیم و هماهنگ میان جامعه و آموزش و پرورش وجود دارد. با عنایت به نیاز آموزشی انسان برای فرهنگ‌سازی و تمدن، این نهاد جزئی از این کل ارگانیک است (Danso, 2018).

اخلاق، شاهراه پیشگیری از آسیب‌های روانی و همچنین ریشه تمامی اصلاحات اجتماعی و مؤثرترین راه مبارزه با مفسد و ناهنجاری‌های جوامع است، به همین دلیل ارتقای اخلاق در جامعه مورد توجه مکاتب گوناگون بوده است (Sobhaninejad, Ahmadabadi, 2018).

تربیت اخلاقی (Moral Education) همواره یکی از دغدغه‌های والدین، مربیان، پژوهشگران و آحاد افراد جامعه بوده است، چرا که فقط در صورت رشد تربیتی سالم، زمینه‌های ایجاد رشد جامعه فراهم می‌شود (Klaassen, 2016). پژوهش‌های متعددی در طول سالیان مختلف با روش‌های مختلف کمی و کیفی انجام شده است که از دیدگاه‌های مختلف، تربیت اخلاقی را بررسی کرده‌اند و راهکارهایی نیز ارائه نموده‌اند، اما نظام تعلیم و تربیت که بر اساس فرهنگ و باورهای هر ملتی شکل گرفته، نمی‌تواند نظامی ثابت و ایستا باشد و برنامه‌های خود را بدون تغییر و بدون پژوهش مستمر برای مدت طولانی اجرا نماید؛ زیرا هدف آن پرورش انسان است که همچون سایر موجودات هر لحظه در حال تغییر است و در هر دوره‌ای نیازهای متفاوتی دارد. نکته‌ای که انسان می‌تواند از کمال آفرینش نیز بیاموزد هر لحظه تغییر و نو شدن و حرکت به سوی فصلی دیگر است (Afkari, 2014).

توماس لیکونا تربیت منش را تلاش عمدی برای کمک به افراد، به‌منظور درک ارزش‌های اخلاقی اصیل، مراقبت از آن‌ها و عمل بر مبنای آن‌ها تعریف می‌کند. بر پایه این تعریف، لیکونا تربیت اخلاقی را فرایندی همراه با دانش، احساس و عمل قلمداد می‌کند (Lickona, 1993). در مجموع، تربیت منش، رویکردی کل‌گرایانه است که اگر همچون روش آموزش اخلاق در محیط آموزشی مدنظر قرار گیرد، باید به موارد زیر توجه شود:

۱. هر چیزی در مدرسه باید حول محور رشد روابط میان دانش‌آموزان، کارکنان و جامعه سازماندهی شود؛
۲. مدرسه یک جامعه است که باید از فراگیران مراقبت کند؛ جامعه‌ای که بتواند پیوند ارتباطی ملموسی بین دانش‌آموزانش برقرار سازد؛
۳. یادگیری اجتماعی و هیجانی به اندازه یادگیری آکادمیک مهم تلقی گردد؛

است که تاکنون به این صورت به آن پرداخته نشده است. متخصصان برنامه‌ریزی درسی پس از ارزشیابی برنامه‌های درسی به این نتیجه رسیده‌اند که اغلب برنامه‌های طراحی شده نسبت به بُعد اصلی وجود متربی بی‌توجه بوده‌اند؛ به‌طور مثال اسلاتری (Slaterry, 2010) ما را به چیزی بیشتر از آنچه اینک در برنامه‌های درسی به‌عنوان هدف در جست‌وجوی آن هستیم به چالش فرا می‌خواند و می‌گوید: مربیان باید در طراحی برنامه‌هایی که فقط به جنبهٔ مادی و بیرونی و آمادگی برای آیندهٔ نامطمئن است، بپرهیزند. وجود الگویی به‌عنوان راهنمای عمل مربیان ضروری به نظر می‌رسد که در تحقیقات متعددی به این مهم پرداخته شده است. سبحانی‌نژاد و همکاران (Sobhaninejad and et al, 2018) در پژوهشی به تبیین محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی از منظر تحلیل مقایسه‌ای آرای کانت و ملا احمد نراقی پرداخته‌اند که نتایج نشان داد این اندیشمندان به‌صورت ژرف به تربیت اخلاقی پرداخته‌اند و دلالت‌های جالب توجهی در محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی ارائه کرده‌اند. وزیر یزدی، یوسفی و کشتی‌آرای (Vaziri Yazdi, Yousefy and Keshtiaray, 2017) در پژوهشی به تبیین اهداف برنامه درسی تربیت هوش اخلاقی کودکان در دورهٔ ابتدایی پرداخته‌اند که یافته‌ها حاکی از آن بود که رشد عملکرد اخلاقی، ایجاد منش اجرایی و اخلاقی، رشد اعتقادات مذهبی، پرورش دید زیبایی‌شناختی به اخلاق، پرورش آزادی‌اندیشه و رفتار و ... تعیین‌کنندهٔ اهداف برنامه درسی پرورش هوش اخلاقی کودکان در دورهٔ ابتدایی هستند.

استینسون (Stinson, 2016) در پژوهشی به ارائهٔ مدلی برای تربیت اخلاقی و زیبایی‌شناسی در برنامه درسی پرداخت. روش این تحقیق اکتشافی بود. برای طراحی الگو از نظریهٔ مارتین بوبر (Martin Buber)، کارول گیلیگان (Carol Gilligan) و جیمز راس مک‌دونالد (James Ross MacDonald) استفاده شده است. در یافته‌های تحقیق بر رابطه بین ادراک و جهان

۴. به همکاری و تشریک مساعی میان دانش‌آموزان بیش از رقابت اهمیت داده شود؛

۵. باید ارزش‌هایی مانند انصاف، احترام و صداقت، بخشی از دروس روزانهٔ درون و بیرون کلاس باشد؛

۶. باید از طریق فعالیت‌هایی مانند خدمات یادگیری به دانش‌آموزان، فرصت‌های وسیعی برای تمرین رفتار اخلاقی داده شود؛

برای نظم و مدیریت کلاس، بیش از تنبیه و پاداش، بر حل مسئله تمرکز شود.

شناخت مشکلات، نواقص و چالش‌ها از آن رو اهمیت دارد که با تغییرات روزمره و سریع حرکت کرده و برنامه‌ریزی‌ها در جهت اهداف بلندمدت، اما در هماهنگی با تغییرات سریع باشد. باید کودک و نوجوان امروز و نیازهای تربیتی وی، روابط امروز، کنش‌های ارتباطی امروز و چالش‌های امروز شناخته شود و سپس برنامه‌ها و اهداف و محتوای موجود نیز سنجیده و بررسی شود (Shojaeifard, 2013). آیا این برنامه‌ها و محتوای ارائه‌شده، نیازهای امروز نسل جوان و جامعهٔ پیش رو را برآورده می‌سازد و آیا این مفاهیم و محتوا، فراگیران را برای انسان بارور بودن و ساختن جامعهٔ سالم پرورش می‌دهد؟ آیا در نهاد آموزش و پرورش همان‌گونه که اهداف آموزشی مشخصی برای ارتقا علمی تعریف شده است، برای یادگیری اصول اخلاقی نظیر توجه و مراقبت، مسئولیت، احترام و شناخت نیز اهداف مشخصی وجود دارد که دانش‌آموزان پس از فراگیری آن بتوانند در پایه یا دورهٔ بعد، این مفاهیم را تکمیل کرده به آن عمل نموده و اصول اخلاقی دیگری به آن بیفزایند؟ آیا برنامهٔ مشخصی بر پایهٔ اصول اخلاقی هدف‌دار برای پرورش اخلاقی فراگیران در مدارس اجرا می‌شود تا نمره انضباط به‌عنوان ارزشیابی این عملکرد در نظر گرفته شود؟

پرداختن به مسائل بیان‌شده، مستلزم بررسی عملکرد تربیتی نهاد آموزش و پرورش از منظری دیگر

تحقیق حاضر به طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم پرداخته می‌شود.

روش پژوهش

روش پژوهش برای طراحی برنامه درسی تربیت اخلاقی، نظریه برخاسته از داده‌ها (Grounded Theory) بوده است.

هدف پژوهش نظریه‌ای در برنامه درسی خلق و نقد طرح‌واره‌های مفهومی است که ماهیت بنیادی و ساختار پدیده‌ها و فرایندهای برنامه درسی را قابل فهم کنند (Ajam, Jafari Sani and Akbari Bourang, 2017). حوزه مورد مطالعه شامل همه اعضای هیئت‌علمی رشته‌های برنامه‌ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های کشور با درجه استادیار به بالا است. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند آن افرادی که تألیفاتی در تربیت اخلاقی داشته‌اند مورد مطالعه و مصاحبه قرار گرفتند. بر اساس روش گلوله‌برفی با ۱۴ نفر از صاحب‌نظران، مصاحبه به عمل آمد. در جدول ۳ به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شونده‌ها اشاره می‌شود.

بزرگ‌تر تأکید شده است و ایجاد حس از واقعیت بودن یک فرد در جهان به‌عنوان اصلی در تربیت اخلاقی به نگرانی‌های اخلاقی در برنامه درسی پاسخ می‌دهد. همچنین سیگیو (Segev, 2016) در پژوهشی به ارائه مدل یکپارچه‌سازی برنامه درسی مدرسه با آموزش و پرورش اخلاقی و فکری پرداخت. در این تحقیق اذعان شده است که چگونه رویکرد یکپارچه‌سازی به تعدادی از تغییرات در شکل‌گیری، آموزش و یادگیری برنامه درسی مدرسه منجر می‌شود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است یکپارچه‌سازی برنامه درسی در مدرسه به رشد اخلاق در دانش‌آموزان کمک می‌کند.

بنابراین تمرکز بر تعلیم و تربیت و برنامه‌های درسی نشان می‌دهد؛ هیچ نظام تربیتی را نمی‌توان یافت که برای تربیت انسان‌ها کوشش کند ولی جهت‌گیری مشخص در این کار نداشته باشد؛ بنابراین تعلیم و تربیت، عرصه‌ها و وجوه گوناگونی دارد که یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین آن‌ها حوزه «تربیت اخلاقی» است، اما این حوزه مستلزم انجام مطالعات علمی گسترده است. در

جدول ۳. مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

حوزه برنامه درسی و فلسفه تعلیم و تربیت		مشخصات جمعیت‌شناختی
درصد	تعداد	
		سن (سال)
۹۲/۸۵	۱۳	۴۱ - ۶۰ -
۷/۱۵	۱	۸۰ - ۶۱ -
		جنس
۷۱/۴۲	۱۰	مرد -
۲۸/۵۳	۴	زن -
		تحصیلات
۲۱/۴۲	۳	استادیار -
۵۰	۷	دانشیار -
۲۸/۵۸	۴	استاد کامل -

به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرد و درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود با استفاده از این فرمول محاسبه شد:

برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار (intercoder reliability) از یک همکار آشنا به تحلیل زمینه درخواست شد تا به‌عنوان کدگذار ثانویه در پژوهش مشارکت کند، در ادامه محقق

$$\text{درصد توافق درون} = \frac{\text{تعداد توافقات (۲)}}{\text{تعداد کل کدها}} \times ۱۰۰\%$$

در این فرمول تعداد توافقات اشاره به تعداد کدهای مشترک و یکسان بین محقق و کدگذار همکار اشاره دارد. تعداد کل کدها نیز مجموع کدهای استخراجی بین محقق و کدگذار همکار است. نتایج حاصل از این کدگذاری‌ها در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بین دو کدگذار (درصد)
۱	S2	۸۶	۳۷	۱۱	۸۶
۲	S4	۶۷	۲۷	۶	۸۱
۳	S10	۷۱	۳۰	۹	۸۴
	کل	۲۲۴	۹۴	۲۶	۸۴

مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری شدند. در کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجزا تفکیک شد و به هر یک از ایده‌ها نامی داده شد. همچنین از طریق طبقه‌بندی مفاهیم، انجام مقایسه و پرسش مشابهت‌ها و تفاوت‌ها به دست آمد و به این روش، راه را برای کشف کردن مقولات مهیا نمود. بنابراین در این پژوهش، پس از هر مصاحبه از طریق تجزیه و تحلیل خطبه‌خط، جمله یا پاراگراف و مشاهدات، به هر یک از اظهارات مصاحبه‌شوندگان، برچسب‌های ذهنی جداگانه‌ای زده شد. حاصل آن، تولید انبوهی از مفاهیم بود که پس از طبقه‌بندی خصیصه‌های پدیده‌ای و مفاهیم، با عنوان مقولات دسته‌بندی شدند.

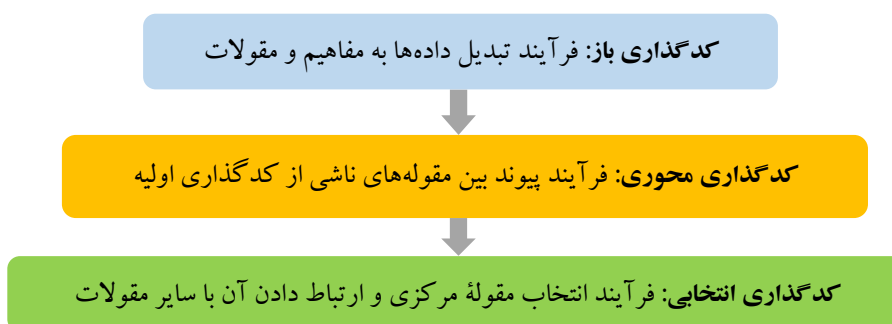
همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تعداد کل کدها که توسط محقق و همکار تحقیق به ثبت رسیده است برابر ۲۲۴، تعداد کل توافقات بین این کدها ۹۴ و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها برابر ۲۶ است. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق با استفاده از فرمول ذکر شده برابر ۸۴ درصد است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است. در تحقیق حاضر داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا در نهایت الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی طراحی شد.



شکل ۱. فرآیند کدگذاری باز

است. مرحله نهایی کدگذاری، کدگذاری انتخابی است که کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در کدگذاری انتخابی، محقق، گروه‌ها یا دسته‌های نهایی در نظریه‌اش را پالایش یا اصلاح می‌کند و آن‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. به عبارتی، کد انتخابی مفهومی است که تمامی مقوله‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و فرایند انتخاب مقوله اصلی به‌طور سیستماتیک است.

بر اساس شکل ۱، کدگذاری باز به فرایند تحلیلی تبدیل داده‌ها به مفاهیم و تبدیل آن‌ها به مقوله‌ها اشاره دارد. در کدگذاری محوری، محقق به دنبال مجموعه‌ای از کدهای محوری انتخاب شده در سرتاسر کل مجموعه داده‌ها و مطالعه است. این امر به تصمیم‌گیری در مورد کدهای اولیه‌ای نیاز دارد که شایع‌تر و مهم‌تر هستند و اینکه تأثیر یا کمک بیشتری به تجزیه و تحلیل می‌کنند. در واقع، کدگذاری محوری فرایند ارتباط دادن خرده‌مقولات یا مقوله‌های فرعی به یک مقوله (پدیده)



شکل ۲. خلاصه مراحل کدگذاری

کدگذاری باز و مقوله‌پردازی داده در جهت شناسایی معیارها و زیرمعیارهای تبیین طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم صورت گرفت. اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام گرفته در زمینه پژوهش که شامل ۵۸ مفهوم است در ادامه ارائه می‌شوند:

یافته‌ها

پرسش اصلی پژوهش: الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها کدام است؟

جدول ۴. مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری اولیه

کد	مفاهیم استخراج شده	مصاحبه
۱.	مطابقت محتوای برنامه درسی با ضوابط وزارت آموزش و پرورش	مصاحبه ۱، ۳ و ۴
۲.	رعایت انتخاب محتوای برنامه درسی بر اساس ساختار دانش اخلاقی	مصاحبه ۲، ۶ و ۹
۳.	تولید محتوای الکترونیکی به روز بودن در برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۱، ۲، ۴، ۱۵
۴.	تناسب برنامه درسی تربیت اخلاقی در راستای رفع مشکلات پرورشی	مصاحبه ۳، ۵، ۱۰، ۱۳
۵.	آگاهی دانش آموزان و معلمان از تحولات نظام آموزش و پرورش	مصاحبه ۱، ۹، ۱۳، ۱۹
۶.	موفقیت برنامه درسی در رشد همه جانبه و آمادگی دانش آموزان در زمینه اخلاق	مصاحبه ۳، ۵، ۱۱، ۲۳
۷.	انطباق روش‌های تدریس جدید با اهداف برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۳، ۹، ۱۳، ۱۶، ۲۴
۸.	مشارکت فعال دانش آموزان در برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۴، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۵
۹.	آمادگی دانش آموزان برای یادگیری و تحصیل علوم اخلاق	مصاحبه ۱، ۱۰، ۱۶
۱۰.	هوشمندسازی کلاس‌های درس اخلاق	مصاحبه ۵، ۷، ۱۴

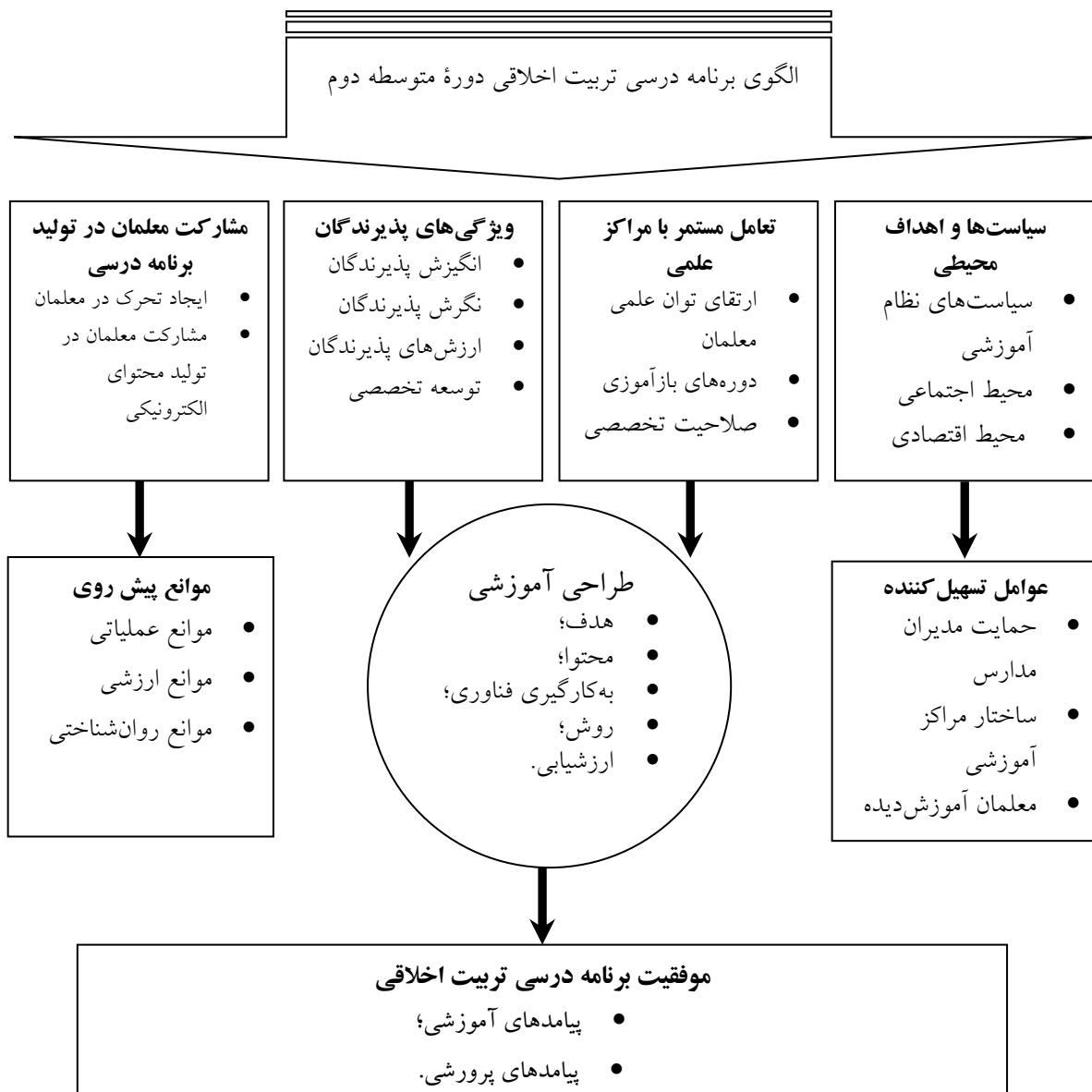
۱۱	استفاده معلمان از کامپیوتر و فناوری‌های نو در امر یاددهی	مصاحبه ۳، ۶، ۱۴، ۱۹
۱۲	استفاده از فناوری اطلاعات در دوره‌ها و همایش‌های حوزه اخلاق	مصاحبه ۲، ۳، ۵، ۱۷
۱۳	ارتقا توان علمی معلمان با آموزش‌های مستمر و حین خدمت در حوزه برنامه درسی تربیت	مصاحبه ۴، ۶، ۸، ۹
۱۴	ایجاد فرصت‌های علمی و پژوهشی لازم در حوزه اخلاق برای معلمان از سوی مدیران	مصاحبه ۲، ۴، ۶، ۷
۱۵	ایجاد فرصت تصمیم‌سازی برای دانش‌آموزان و معلمان	مصاحبه ۲، ۱۲، ۱۶
۱۶	ایجاد تحرک در معلمان برای مشارکت در تولید برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۳، ۶، ۹، ۱۲
۱۷	توجه معلمان به بافت و مسائل محلی در برنامه‌ریزی درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۴، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵
۱۸	رصد تحولات علمی و اداری آموزش و پرورش توسط معلمان	مصاحبه ۱، ۴، ۶، ۱۵
۱۹	سازوکار صحیح و عادلانه در ارزشیابی مستمر برنامه درسی تربیت اخلاقی مانند کار عملی	مصاحبه ۱، ۳، ۹، ۲۴
۲۰	مشارکت در شیوه‌های ارزشیابی الکترونیکی آموخته‌ها	مصاحبه ۲، ۶، ۹، ۱۱
۲۱	تأکید بر سنجش مهارت‌های تفکر و دانش کاربردی دانش‌آموزان	مصاحبه ۱، ۵، ۹، ۱۰، ۱۲
۲۲	ارتباط و انعطاف محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی با علایق دانش‌آموزان	مصاحبه ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۳، ۱۵
۲۳	رضایت دانش‌آموزان از محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۴، ۱۲، ۲۰
۲۴	تأکید بر پژوهش و کاوشگری در محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۱، ۳، ۱۹
۲۵	توجه به تخصصی بودن محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۶، ۱۴، ۲۵
۲۶	رعایت نیازهای جامعه در انتخاب محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۱۷
۲۷	مطابقت برنامه درسی با هدف ارتقا حس راهبری دانش‌آموزان در حوزه اخلاق	مصاحبه ۲، ۵، ۹، ۱۱
۲۸	توجه به علایق دانش‌آموزان در انتخاب اهداف برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۲، ۵، ۱۶
۲۹	سیاست‌های نظام آموزشی در حوزه برنامه درسی تربیت اخلاقی	مصاحبه ۱، ۵، ۸، ۱۱
۳۰	پذیرش علوم تربیت اخلاق در محیط اجتماعی	مصاحبه ۱، ۲، ۴، ۵، ۶
۳۱	اختصاص بودجه به فعالیت‌های علمی اخلاقی (محیط اقتصادی)	مصاحبه ۴، ۹، ۱۳، ۱۸
۳۲	تغییر سرفصل دروس با توجه به تحولات علمی و نیازهای تعلیم و تربیت اخلاقی	مصاحبه ۲، ۴، ۱۱، ۲۵
۳۳	کیفیت بازخوردهای ارائه شده به دانش‌آموزان	مصاحبه ۲، ۵، ۱۲، ۱۷
۳۴	فرصت مناسب به دانش‌آموزان برای اندیشیدن به مسائل اخلاق	مصاحبه ۳، ۵، ۹
۳۵	انگیزش پذیرندگان به یادگیری دروس اخلاق	مصاحبه ۲، ۴، ۷، ۱۵
۳۶	نگرش پذیرندگان به اخلاق	مصاحبه ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۲
۳۷	تلقی روح و جسم و حفظ آن به‌عنوان یک ارزش	مصاحبه ۲، ۴، ۹، ۱۸
۳۸	توسعه تخصصی دانش‌آموزان در حوزه اخلاق	مصاحبه ۳، ۴، ۶، ۱۱، ۱۵
۳۹	تلاش برای پروراندن ابعاد عاطفی و شناختی دانش‌آموزان	مصاحبه ۲، ۵، ۹، ۱۵
۴۰	استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر دانش (بحث و گفت‌وگو، بازدید و گردش علمی، قصه‌گویی و نمایش و بازی سازمان‌یافته)	مصاحبه ۱، ۵، ۸، ۱۵
۴۱	اعتقاد به ایجاد فرصت تحلیل و ارزیابی مسائل اخلاق توسط دانش‌آموزان	مصاحبه ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۳
۴۲	توجه به محبت و حمایت‌های عاطفی در محیط یادگیری	مصاحبه ۲، ۸، ۹، ۱۵، ۲۱
۴۳	دستیابی معلمان و دانش‌آموزان به اینترنت به‌منظور آموزش	مصاحبه ۳، ۱۵
۴۴	بازنگری در سرفصل دروس بر اساس فناوری‌های جدید	مصاحبه ۱، ۷، ۹، ۱۸
۴۵	دوره‌های مکمل به‌منظور ارتقا بینش و منش اخلاقی دانش‌آموزان	مصاحبه ۲، ۴، ۹، ۱۳
۴۶	صلاحیت تخصصی و عمومی معلمان	مصاحبه ۲، ۷، ۸، ۱۶
۴۷	استفاده از پوشه کار و چک‌لیست برای ارزشیابی فعالیت‌های دانش‌آموزان در حوزه اخلاق	مصاحبه ۱، ۴، ۸، ۱۴
۴۸	مشاهده مستقیم رفتار دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف برای ارزشیابی آنان	مصاحبه ۳، ۸، ۱۷
۴۹	تعامل مدارس با نهادهای محلی و صاحب‌نظران حوزه اخلاق	مصاحبه ۳، ۲۱، ۲۵
۵۰	تخصیص اعتبارات پژوهشی و شرکت در همایش‌های تربیت اخلاقی به معلمان	مصاحبه ۴، ۹، ۲۴
۵۱	برگزاری سمینارهای علمی و تبادل اطلاعات با سایر مراکز علمی	مصاحبه ۳، ۹، ۲۴
۵۲	همکاری دانش‌آموزان و معلمان به‌منظور انتخاب برنامه درسی	مصاحبه ۲، ۴، ۹، ۱۶
۵۳	تأثیر برنامه درسی معلمان بر دانش، پژوهندگی و بینش دانش‌آموزان	مصاحبه ۲، ۱۴، ۱۹
۵۴	مشارکت معلمان و کارشناسان در تولید محتوا	مصاحبه ۱، ۲۴
۵۵	سنجش مهارت‌های تربیت اخلاقی دانش‌آموزان بر اساس روش‌های خودسنجی و انجام پروژه‌های فردی و گروهی	مصاحبه ۳، ۱۱، ۲۵

در گام بعدی تلاش شد مقوله‌های مشابه و مقارن که یکدیگر داشتند، زمینه‌ها، به شکل مفاهیم انتزاعی‌تری در جدول شماره ۵ ارائه شده است در زمینه‌های اصلی استخراج شدند. جای گیرند. بر اساس اشتراک مفهومی که مقولات با

جدول ۵. زمینه‌های مشترک استخراج‌شده از تحلیل‌ها

زمینه ۱، سیاست‌های محیط کلان	
مقولات	سیاست‌های نظام آموزشی در حوزه برنامه درسی تربیت اخلاقی
	پذیرش علوم تربیت اخلاقی در محیط اجتماعی
	اختصاص بودجه به فعالیت‌های علمی اخلاقی (محیط اقتصادی)
زمینه ۲، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی	
مقولات	مطابقت محتوای برنامه درسی با ضوابط وزارت آموزش و پرورش
	رعایت انتخاب محتوای برنامه درسی با ساختار دانش اخلاق
	تولید محتوای الکترونیکی به‌روز در برنامه درسی تربیت اخلاقی
	ارتباط و انعطاف محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی با علایق دانش‌آموزان
	رضایت دانش‌آموزان از محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی
	تأکید بر پژوهش و کاوشگری در محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی
	توجه به تخصصی بودن محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی
	رعایت نیازهای جامعه در انتخاب محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی
زمینه ۳، اهداف برنامه درسی	
مقولات	تناسب برنامه درسی تربیت اخلاقی در جهت رفع مشکلات پرورشی
	آگاهی دانش‌آموزان و معلمان از تحولات نظام آموزش و پرورش
	موفقیت برنامه درسی در رشد همه جانبه و آمادگی دانش‌آموزان در زمینه اخلاق
	مطابقت برنامه درسی با هدف ارتقا حس راهبری دانش‌آموزان در حوزه اخلاق
	توجه به علایق دانش‌آموزان در انتخاب اهداف برنامه درسی تربیت اخلاقی
تغییر سرفصل دروس با توجه به تحولات علمی و نیازهای تعلیم و تربیت اخلاقی	
زمینه ۴، فرایندهای یاددهی یادگیری	
مقولات	انطباق روش‌های تدریس جدید با اهداف برنامه درسی تربیت اخلاقی
	مشارکت فعال دانش‌آموزان در برنامه درسی تربیت اخلاقی
	آمادگی دانش‌آموزان جهت یادگیری و تحصیل علوم تربیت اخلاقی
	کیفیت بازخوردهای ارائه‌شده به دانش‌آموزان
	فرصت مناسب به دانش‌آموزان برای اندیشیدن به مسائل اخلاق
	تلاش برای پروراندن ابعاد عاطفی و شناختی دانش‌آموزان
	اعتقاد به ایجاد فرصت تحلیل و ارزیابی مسائل اخلاق توسط دانش‌آموزان
	توجه به محبت و حمایت‌های عاطفی در محیط یادگیری
	استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر دانش (بحث و گفت‌وگو، بازدید و گردش علمی، قصه‌گویی و نمایش و بازی سازمان‌یافته)

زمینه ۵، استفاده از فناوری اطلاعات	
مقالات	هوشمندسازی کلاس‌های درس تربیت اخلاقی
	استفاده معلمان از کامپیوتر و فناوری‌های نو در امر یاددهی
	استفاده از فناوری اطلاعات در دوره‌ها و همایش‌های حوزه اخلاق
	میزان دستیابی معلمان و دانش‌آموزان به اینترنت به‌منظور آموزش
	میزان بازنگری در سرفصل دروس بر اساس فناوری‌های جدید
زمینه ۶، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی	
مقالات	ارتقا توان علمی معلمان با آموزش‌های مستمر و حین خدمت در حوزه برنامه درسی تربیت اخلاقی
	ایجاد فرصت‌های علمی و پژوهشی لازم در حوزه اخلاق برای معلمان از سوی مدیران
	ایجاد فرصت تصمیم‌سازی برای دانش‌آموزان و معلمان
	تعامل مدارس با نهادهای محلی و صاحب‌نظران حوزه اخلاق
	تخصیص اعتبارات پژوهشی و شرکت در همایش‌های تربیت اخلاقی به معلمان
	برگزاری سمینارهای علمی و تبادل اطلاعات با سایر مراکز علمی در زمینه اخلاق
زمینه ۷، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی	
مقالات	ایجاد تحرک در معلمان به‌منظور مشارکت در تولید برنامه درسی تربیت اخلاقی
	توجه معلمان به بافت و مسائل محلی در برنامه‌ریزی درسی تربیت اخلاقی
	رصد تحولات علمی و اداری آموزش و پرورش توسط معلمان
	همکاری دانش‌آموزان و معلمان به‌منظور انتخاب برنامه درسی
	تأثیر برنامه درسی معلمان بر دانش، پژوهندگی و بینش دانش‌آموزان
	مشارکت معلمان و کارشناسان در تولید محتوای الکترونیکی
زمینه ۸، روش‌های ارزشیابی	
مقالات	استفاده از پوشه کار و چک‌لیست برای ارزشیابی فعالیت‌های دانش‌آموزان در حوزه تربیت اخلاقی
	مشاهده مستقیم رفتار دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف برای ارزشیابی آنان
	سنجش مهارت‌های تربیت اخلاقی دانش‌آموزان بر اساس روش‌های خودسنجی و انجام پروژه‌های فردی و گروهی
زمینه ۹، ویژگی پذیرندگان	
مقالات	انگیزش پذیرندگان به یادگیری دروس تربیت اخلاقی
	نگرش پذیرندگان به اخلاق
	تلقی روح و جسم و حفظ آن به‌عنوان یک ارزش
	توسعه تخصصی دانش‌آموزان در حوزه اخلاق



شکل ۳. ارتباط بین مقوله‌های مختلف شناسایی شده را در قالب الگوی پارادایم نمایش می‌دهد.

بر اساس الگوی طراحی شده، توضیح مختصری بر عناصر و ابعاد آن لازم است آورده شود. این الگو شامل:

۱. مقوله محوری: طراحی آموزشی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم

با توجه به اینکه بر اساس الگوی طراحی شده، "طراحی آموزشی" را به‌عنوان مبنا و ستون اصلی تحقق طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم قلمداد کرده‌اند، پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری باز و بررسی

ویژگی‌های ارائه شده، مقوله "طراحی آموزشی" به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شد. طراحی آموزشی شامل هدف، محتوا، به‌کارگیری فناوری، روش و ارزشیابی در حوزه تربیت اخلاقی است.

۲. شرایط علی: سیاست‌ها و اهداف محیطی شرایط علی باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های موجود، "سیاست‌ها و اهداف محیطی" به‌عنوان علی تلقی می‌شوند که نقش فعال در طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره

استفاده شد. عناصر تشکیل‌دهنده الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم شامل عوامل و شاخص‌هایی است که در آن چگونگی ارتباط میان عوامل و شاخص‌ها تبیین شده است. الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم دارای دو بخش عوامل اصلی و شاخص‌های آن است. این مدل از شاخص‌هایی تشکیل شده است که هسته و قلب این مدل هستند و مبنای ارزیابی برنامه درسی تربیت اخلاقی قرار می‌گیرند که به آن‌ها عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی می‌گویند.

مدل پیشنهادی پژوهش در زمینه الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم دولتی مشتمل بر ۹ عامل سیاست‌های محیط کلان، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، اهداف برنامه درسی، فرایندهای یاددهی یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روش‌های ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان است. پیشینه در زمینه الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم با توجه به نوپا بودن آن کم است. پژوهش حاضر با توجه به اهمیت موضوع الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم و حرکت موجود به سمت تخصصی کردن الگوهای عملکردی و با عنایت به فقدان انجام مطالعات دانشگاهی در طراحی الگوی برنامه درسی صورت گرفت. بر این اساس «طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم» به‌عنوان مقوله محوری بر مبنای شرایط علمی «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و از طریق راهبردهای «مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی» و «تعامل مستمر با مراکز علمی» با در نظر گرفتن «ویژگی پذیرندگان» (به عنوان زمینه الگو) محقق می‌شود و به تحقق «پیامدهای آموزشی و پرورشی» منجر می‌شود. بنابراین عمده‌ترین ویژگی‌های الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم عبارت‌اند از:

۱. متوسطه دوم داشته و تا این عوامل مهیا نشوند برنامه درسی تربیت اخلاقی محقق نمی‌شوند.
 ۲. کنش‌ها و تعاملات: مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی و تعامل مستمر با مراکز علمی
 ۳. کنش‌ها و تعاملات بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر، گرفته می‌شوند. به این مقوله‌ها راهبرد نیز گفته می‌شود که در پژوهش حاضر عبارت‌اند از: مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی و تعامل مستمر با مراکز علمی.

۴. شرایط مداخله‌گر: عوامل تسهیل‌کننده و موانع شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که در اجرای خط‌مشی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم تأثیرگذار است. عواملی که در پژوهش حاضر در طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم، نقش عوامل تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند، عبارت‌اند از: حمایت مدیران مدارس، ساختار مراکز آموزشی و معلمان آموزش‌دیده. همچنین موانع عملیاتی، موانع ارزشی و موانع روان‌شناختی موانع پیش روی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم را ایفا می‌کنند.

۵. بستر حاکم: ویژگی پذیرندگان
 به شرایط خاصی که برکنش‌ها و تعاملات تأثیر می‌گذارند، بستر گفته می‌شود. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهد و در الگوی معرفی شده عبارت‌اند از: انگیزش پذیرندگان، نگرش پذیرندگان و ارزش‌های پذیرندگان و توسعه تخصصی.

۶. پیامدها: موفقیت برنامه درسی تربیت اخلاقی
 بر اخلاق مبتنی بودن رفتارهای مخاطبان برنامه درسی پیامدی است که انتظار می‌رود با اجرای این برنامه درسی مشاهده شود.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به منظور ارائه الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم از روش تئوری زمینه‌ای

• با استفاده از رویکرد کیفی مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها، الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم طراحی شده است.

• اختصاصی بودن این الگو برای دوره متوسطه؛

• سیاست‌های محیط کلان، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، اهداف برنامه درسی، فرایندهای یاددهی یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روش‌های ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان به‌عنوان عوامل کلیدی موفقیت الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم؛

• تبیین نحوه ارتباط میان عوامل و شاخص‌های الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم و بررسی وضعیت نحوه استفاده از آن؛

در مقایسه الگوی طراحی شده با ادبیات و مبانی نظری تحقیق در خصوص الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم، یافته‌های این پژوهش در حوزه عوامل مؤثر (سیاست‌های محیط کلان، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، اهداف برنامه درسی، فرایندهای یاددهی یادگیری، استفاده از فناوری اطلاعات، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی، مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی، روش‌های ارزشیابی و ویژگی پذیرندگان) بر الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم با تحقیقات حمداله‌زاده گل (Hamdollahzadeh Gol, 2016)، پورموسوی (Pourmousavi, 2015)، اکرمی، (Akrami, 2017)، افکاری (Afkari, 2014)، آرم‌اند، (Armand, 2008)، سیگیو (Segeve, 2016)، کارولین (Caroline, 2012)، پاملا و همکاران (Pamela et al, 2011) و کی یونگ‌ما (Keung Ma, 2009) همخوانی دارد. در این تحقیقات نیز ابعاد الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم مورد تأکید قرار گرفته شده است. در اینجا با توجه به یافته‌های تحقیق راهبردها و راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. مربیان با پیوند زدن مباحث علمی با زمینه‌های دینی (در حد ممکن) و فراهم‌سازی انواع زمینه‌ها و فرصت‌های عملی مناسب در خلال برنامه‌های درسی و آموزشی و فعالیت‌های عملی دروس مختلف (به تناسب و اقتضای دروس) می‌توانند به تربیت دینی و اجتماعی متریبان و همچنین تحقق رسالت تربیت دینی و به خصوص اجتماعی مدرسه کمک کنند.

۲. شناسایی نیازها و علایق دینی متریبان، شیوه‌های تربیتی متناسب با خصایص و نیازهای متریبان. شهید مطهری معتقد است که «ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم. نسل جوان، محاسن و معایبی دارد. این نسل ادراکات و احساساتی دارد که در نسل گذشته نبود و از این نظر باید به او حق داد». ایشان در جای دیگر اشاره کرده‌اند که «بزرگ‌ترین مشکل در رهبری نسل جوان، نفهمیدن زبان و منطق اوست». همچنین وی تأکید می‌کند که «باید این خیال را از سر خود بیرون کنیم که نسل جدید را با همان شیوه‌های قدیم رهبری کنیم».

۳. نگاه کارشناسانه به احکام دین: وجود آگاهی و علم باعث روشنی و ایجاد بینش جامع نسبت به آن موضوع می‌شود و هرچه سطح آگاهی بیشتر باشد مسئله روشن‌تر و راه‌های رسیدن به کمال در آن موضوع راحت‌تر و آسان‌تر می‌شود.

۴. تقدم بخشی معلومات بر محفوظات و غنی‌سازی بُعد معقولات و معتقدات دینی

۵. سازماندهی محتوای ارزشی و تعیین‌ها روشی یاددهی یادگیری مناسب برای درونی‌سازی ارزش‌ها؛

۶. تعیین ویژگی‌های محیطی و جو آموزشی مساعد انتقال ارزش‌ها.

منابع

Afkari, F. (2014). *To review the approaches to moral education in the elementary period in the textbooks, write Quran, heavenly gifts, social education, and design a planning pattern.* (Ph.D.), Allameh Tabatabaie University, Faculty of Education and Psychology [Persian]

- Ajam, A., Jafari Suny, H And Akbari Boorang, M. (2017). Design blended learning curriculum for higher education based on the Akker pattern. *Research in Curriculum Planning, Vol 14. No 26 (continues 53)*, Pages 1-16. [Persian]
- Akrami, A. (2013). *The process of moral education of man in the Qur'an by looking at the order of descending surah and verses*. (Ph.D.), Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Theology and Islamic Studies. [Persian]
- Armand, M. (2008). *Designing the optimal model of moral education in the moderate period based on the study of the pattern of parenting*. (Ph.D unpublished thesis.), Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities. [Persian]
- Best, R. (2016). New perspectives on young children's moral education: developing character through a virtue ethics approach. *International Journal of Children's Spirituality*, 1-4.
- Caroline, K. (2012). moral Development and student Motivation in Moral Education: A Singapore study. *Australian Journal of Education: Vol.56.No1*.
- Danso, S. A. (2018). Moral Education and the Curriculum: the Ghanaian Experience. *International Journal of Scientific Research and Management*, 6(01): 14-32.
- Davoudi, M. (2009). *Islamic Ethics The Basics and Concepts*, Qom: Moaref. (Persian)
- Hamdollah Zadeh Gul, A. (2016), *The Foundations of theology in the Holy Quran and its educational implications (rational, emotional, and ethical)*, Shahid Bahonar University of Kerman, Faculty of Literature and Human Sciences. [Persian]
- Jamkhaneh, K. (2011). *Ethical Education in Primary: Analyze the Content of Persian Books*. (Master's thesis), Kurdistan University, Faculty of Literature and Humanities. (Persian).
- Shojaei Fard, M. (2013). *Investigating the Attention to the Elements of Ethical Education in First Language Persian Literature Books*. (Master's Thesis), Islamic Azad University, Marvdasht Branch, Faculty of Educational Sciences, Psychology. [Persian]
- Keung Ma, Hing. (2009). Moral Development and Moral Education: An Integrated Approach. *Education Research. Vol. 24, No 2*, pp293-326.
- Klaassen, C. A., Osguthorpe, R. D., & Sanger, M. N. (2016). Teacher Education as a Moral Endeavor. In *International Handbook of Teacher Education* (pp. 523-557). Springer Singapore.
- Mohammadi Lagmoj, S. (2010). *The study of the foundations, goals and methods of moral education from the perspective of Faiz Kashani*. (Master's thesis), Allameh Tabatabaei University, Faculty of Psychology and Education. (Persian).
- Mohammadi, R, Fath Abadi, J, Yadgarzadeh, Gh, Mirza Mohammadi, M. H. (2005). *Quality Evaluation in Higher Education: Concepts, Principles, Methods and Criteria*. Tehran: Country Education Assessment Organization. [Persian]
- Nucci, p. Larry. (2003). *Education in the Moral Domain*. Cambridge university press.
- Pamela, lepage, Hanife Akar, Yaliz Temli, Deryasen, Veil Hasser, Ibne ivins. (2011). Comparing teachers' views on morality and moral Education, a comparative study in Turkey and the United States. *Teaching and Teacher Education. Vol 27*, pp300-375.
- Pourmousavi, S. J (2015), *Explaining Ethical Reasoning in Islam and Critical Analysis of Religious Books and High School Life*. Tarbiat Modares University, Faculty of Literature and Human Sciences. [Persian]
- Raj, Kamla. (2009). moral Education of the child: who's Responsibility? Department of Counselling psychology Nigeria: Solarian university of Education. *Tai: 20(2)*. pp149-156.
- Segev, A. (2016). Does classic school curriculum contribute to morality? Integrating school curriculum with moral and intellectual education. *Educational Philosophy and Theory*, 1-10.
- Slattray, P. (2010). Towrd an Eschatological Curriculum Theory. *Jornal of Curriculum Theorizing*, 9, 7-21.
- Sobhaninejad, M., Ahmadabadi Arani, N., Jalalvand, t and Mohammadi, A., (2018). Explaining the curriculum of moral education in the aspect of comparative analysis of Kant's and Mullah Ahmad Naraqi's Theories.

Research in Curriculum Planning, Vol 14, No 59(continus 56).pp 30-48. [Persian]

Stinson, S. W. (2016). *Curriculum and the Morality of Aesthetics*. In *Embodied Curriculum Theory and Research in Arts Education* (pp. 7-18). Springer International Publishing.

Vaziri Yazdi, Yousefy, A and Keshtiaray, N. (2017). Explaining the objectives of the Elementary Schools Moral Intelligence Education Curriculum. *Research in Curriculum Planning, Vol 14, No 28 (continus 55).pp 15-23. [Persian]*